

امیرالمؤمنین (ع) ذکر می‌گردد که آیات قرآن را به ۷ قسم تقسیم می‌نماید و به دنبال این روایت اقسام دیگری می‌آید که تقریباً فهرست مطالب مطرح شده در متن رساله است و به ۶۰ مبحث می‌رسد. از جمله این مباحث می‌توان به موضوعاتی چون ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، تحریف، رد برخی نظرات در باب ایمان و کفر و زیادت و نقصان آن، رد بر ثنویان و زندیقان، رد بر یهود و نصارا و رد بر قائلان به رأی و قیاس اشاره کرد. پس از ذکر این فهرست، بیان می‌شود که شیعیان در هنگام فراغت به نزد امیرالمؤمنین (ع) آمده، درباره این موضوعات از ایشان پرسش می‌کردند (ص ۶) و این رساله درواقع پاسخهای آن حضرت به این پرسشهاست. در جای جای رساله (مثلاً ص ۱۱، ۱۲، ۲۳، جم) نیز به موضوع پرسش و پاسخ اشاره می‌شود. با وجود تلاش مؤلف برای انتساب متن به امیرالمؤمنین (ع) و بازگو نمودن آن از زبان ایشان، وجود مباحث بسیاری در این رساله که به دوره‌های بعدی بازمی‌گردد، این انتساب را با تردید مواجه می‌سازد. از جمله این مباحث می‌توان به موضوعاتی همچون زیادت و نقصان ایمان و کفر، نقد اجتهاد و قیاس و نقد آراء معتزله اشاره نمود (مثلاً نک: ص ۵، ۶۲، ۹۱، ۹۵، جم).

درباره دوران رواج این رساله باید گفت که تا پیش از سده ۱۱ ق گزارشی از آن در دست نیست و نخستین آگاهی ما از این رساله به دورانی بازمی‌گردد که فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق)، (۲۵۲/۱) و بعد حر عاملی (د ۱۱۰۴ ق) (وسائل، ۲۱۶/۴، جم، الفصول، ۵۹۸/۱، جم)، در همه موارد به نقل از رساله المحکم و المتشابه به نقل از آن می‌پردازند و مجلسی (د ۱۱۱۰ ق) آن را به طور کامل در بحار الانوار درج می‌نماید. پس از آن فاضل هندی (د ۱۱۳۷ ق) (۷۷/۳)، یوسف بحرانی (د ۱۱۸۶ ق) (۲۹۹/۶، ۳۹۶، ۵۹۸/۸، جم)، محقق نراقی (د ۱۲۴۵ ق) (۱۶۰/۲، ۸۴/۱۰)، صاحب جواهر (د ۱۲۶۶ ق) (۲۷۰/۷، ۳۶۰، ۲۶۲/۱۰، جم)، نوری (د ۱۳۲۰ ق) (۷۶/۱، ۱۷۲/۳، ۵۱۵/۶، جم)، همه به نقل از المحکم و المتشابه و دیگر علمای شیعه از این رساله بهره برده‌اند. مجلسی هنگام نقل این رساله سلسله سندی برای آن ذکر نمی‌کند، بلکه بیان می‌دارد که از طریق وجاده به نسخه‌ای از آن دست یافته است. اجازات نقل شده به این کتاب (مجلسی، ۱۱۵/۱۰۷؛ امین، ۹۱-۹۰/۱) نیز از تلفیق چند اجازه به دست آمده است و به شکل متصل وجود خارجی ندارد.

این رساله با نام المحکم و المتشابه منسوب به سیدمرتضی (د ۴۳۶ ق) نیز شهرت دارد، اما در میان آثار وی چنین کتابی ثبت نشده، و محتوا و سبک نگارش این رساله نیز با آرا و آثار سیدمرتضی متفاوت است (در این باره، نک: موسوی، ۱۱۴-۱۱۶). موضوع دیگری که درباره تفسیر نعمانی مطرح است،

1988; Loth, O., «Tabari's Korancommentar», ZDMG, 1881, vol. XXXV; McAuliffe, J. D., «Quranic Hermeneutics: The Views of at-Tabari and Ibn Kathir», *Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'an*, ed. A. Rippin, Oxford, 1988; Nöldeke, Th., *Geschichte des Qorans*, ed. F. Schwally, 1961; Rippin, A., «The Function of Asbāb al-Nuzūl in Qur'ānic Exegesis», *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, 1988, vol. LI(1); id., «Review of Exégèse, langue et théologie en Islam», *Journal of Semitic Studies*, 1991, vol. XXXVI; id., «Tafsir», EI², 1998, vol. X; Rosenthal, F., *The History of al-Ṭabarī*, ed. E. Yarshater, New York, 1989; Schacht, J., *The Origins of Mohammanadan Jurisprudence*, Oxford, 1950; Steinschneider, M., «Die Parva Naturalia des Aristoteles bei Arabern», ZDMG, 1883, vol. XXXVII; Tayob, A., «An Analytical Survey of al-Tabari's Exegesis of the Cultural and Symbolic Construct of Fitna», *Approaches to the Qur'an*, ed. G. R. Hawting and A. A. Shareef, London, 1993; Wansbrough, J., *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Oxford, 1977.

یونس دهقانی

تفسیر نعمانی، رساله‌ای در علوم قرآنی با نگاه شیعی
که در قرون اخیر با این نام شهرت یافته است. این رساله در مجموعه بحار الانوار به طور کامل درج شده (مجلسی، ۹۰/۱-۹۷)، و بعدها چند بار با همین عنوان یا با عنوان المحکم و المتشابه سیدمرتضی به چاپ رسیده است. برخلاف نام تفسیر که بر این رساله نهاده شده، مباحث مطرح شده در آن بیشتر شامل موضوعات علوم قرآنی، اصول فقه و برخی مباحث کلامی است. در کتابهای رجالی و فهرستها تا زمان ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ ق/۱۱۹۲ م) اثری از کتاب تفسیر در میان آثار و تألیفات نعمانی (زنده در نیمه دوم سده ۴ ق) به چشم نمی‌خورد و این تنها ابن شهر آشوب است که در بخش مشهوران به کنیه در ذیل نام ابو عبدالله محمد بن ابراهیم از کتابی با عنوان تفسیر القرآن لاهل البيت (ع) یاد می‌کند (ص ۱۶۸).

در تبیین این امر می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نعمانی سالهای پایانی عمر را در شامات گذرانده، و در آنجا در گذشته است (نجاشی، ۳۸۳) و ابن شهر آشوب که ظاهراً تألیف خود را در حله به پایان رسانیده (نک: ۹۱/۴)، به آثاری از نعمانی که در اواخر حیات در شام تألیف نموده، دسترسی نداشته است. ذکر روایتی به نقل از کتاب تفسیر نوشته نعمانی در رساله مشهور به «تفسیر نعمانی» (ص ۳) نیز می‌تواند قرینه دیگری بر وجود این کتاب باشد. به‌ویژه نعمانی این روایت را از ابن عقده (د ۳۶۸ ق/۹۷۹ م) نقل نموده که استاد وی بوده است و در کتاب الغیبه نیز از وی بسیار نقل روایت می‌نماید (برای نمونه، نک: ص ۲۷، ۳۴، ۳۵، جم). به هر روی اگرچه بتوان وجود کتاب تفسیر اثر نعمانی را اثبات کرد، اما رساله موجود با آن تفسیر متفاوت است و تنها یک روایت از آن کتاب در آن نقل شده، و همین امر موجب انتساب همه رساله به نعمانی گشته است.

رساله با مقدمه‌ای در فضیلت و جایگاه قرآن کریم و ضرورت رجوع به اهل بیت (ع) برای فهم و تفسیر صحیح آیات الهی آغاز می‌شود. پس از این مقدمه، روایتی از

مشابهت فراوان با مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی و رساله‌ای از سعد بن عبدالله اشعری است که مجلسی بخشهایی از آن را در اختیار گذاشته است (نک: ۷۳-۶۰/۸۹، نیز ۴۷/۸۰، ۷۱/۸۱، ۳۸۲، ۹۷/۹۰، جم). پس از مقایسه میان این ۳ متن در توضیح شباهت میان آنها می‌توان چنین گفت که مقدمه تفسیر قمی و رساله سعد بن عبدالله اشعری دو تحریر از متنی واحد هستند، اما شاکله اصلی رساله تفسیر نعمانی با توجه به مقدمه تفسیر قمی سامان یافته، و توضیحات و مثالهای بیشتر از متن تفسیر به آن افزوده شده و با استفاده از منابعی دیگر مباحث دیگری نیز به آن اضافه گردیده است (برای مقایسه تفصیلی میان تفسیر نعمانی و دو اثر دیگر، نک: زعفرانی‌زاده، ۲۱-۴۷).

اگرچه مؤلف این رساله جز تفسیر اثر نعمانی به هیچ یک از منابع خود اشاره نمی‌کند، اما با کاوش در دیگر کتب می‌توان به برخی از این منابع دست یافت. افزون بر تفسیر علی بن ابراهیم قمی که مؤلف احتمالاً به عنوان اصلی‌ترین منبع خود از آن بهره جسته، در مباحث مربوط به ضرورت وجود امام و شرایط و ویژگیهای وی (ص ۵۵، ۶۴-۶۵، ۸۸-۸۹) به اندیشه‌ها و آثار هشام بن حکم نظر داشته است (نک: ابن بابویه، کمال‌الدین...، ۲۰۷-۲۰۹، علی...، ۲۰۲/۱-۲۰۵، معانی...، ۱۳۳). همچنین بخش عمده‌ای از مطالب این رساله در رد بر قائلان به رأی و قیاس (ص ۹۱-۹۷) در پاسخ به آراء مطرح شده از سوی شافعی (د ۲۰۴ق/ ۸۱۹م) در کتاب *الرسالة* (ص ۴۸۰، ۴۸۷-۴۹۰) بیان شده است (برای تفصیل این بحث و منابع دیگر، نک: زعفرانی‌زاده، ۴۸-۶۵). با توجه به استفاده مؤلف این رساله از تفسیر اثر نعمانی که در نیمه دوم سده ۴ق حیات داشته، کهن‌ترین تاریخی که می‌توان برای زمان تألیف این رساله در نظر گرفت، همان نیمه دوم سده ۴ق است. درباره مؤلف این رساله نیز باید گفت اگرچه نام وی برای ما آشکار نیست، اما با بررسی ویژگیهای محتوایی رساله می‌توان به برخی از خصوصیات وی پی برد. با توجه به

اینکه مباحث کلامی بسیاری در این رساله مطرح شده است و نگاه متکلمانه در جای جای آن به چشم می‌خورد، می‌توان مؤلف این رساله را یک متکلم دانست. وی اگرچه در نقل روایات از روش محدثان در ذکر اسانید پیروی نمی‌کند، اما در مواردی اندیشه‌های او به حدیث‌گرایان نزدیک می‌شود که به عنوان نمونه می‌توان به دفاع از نظریه تحریف قرآن (ص ۲۶-۲۸) و روش وی در نقد اصحاب قیاس و اجتهاد (ص ۹۱-۹۷) اشاره نمود.

درباره نسخ خطی موجود از این رساله نیز باید گفت که دوران کتابت همه این نسخه‌ها به دوران تداول رساله یعنی سده ۱۱ق و ادوار بعدی باز می‌گردد (برای فهرستی از این نسخ خطی، نک: حجتی، ۴۱۷/۱-۴۱۹).

مأخذ: ابن بابویه، محمد، *علل الشرائع*، نجف، ۱۳۸۵ق/۱۹۹۶م؛ همو، کمال‌الدین و تمام النعمة، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۵ق؛ همو، معانی الاخبار، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ش؛ ابن شهر آشوب، محمد، *معالم العلماء*، نجف، ۱۳۸۰ق؛ امین، محسن، *اعیان الشیعة*، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م؛ بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، به کوشش محمدتقی آبروانی، قم، جامعه مدرسین؛ «تفسیر نعمانی»، *بحار الانوار* (نک: هـ، مجلسی)؛ حجتی، محمدباقر، فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰ش؛ حر عاملی، محمد، *الفصول المهمة*، به کوشش محمد قائینی، قم، ۱۴۱۸ق؛ همو، *وسائل الشیعة*، به کوشش محمدرضا حسینی جلالی، قم، ۱۴۱۴ق؛ زعفرانی‌زاده، سعید، *بازشناسی متن تفسیر نعمانی*، نقد بیرونی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران؛ شافعی، محمد، *الرسالة*، به کوشش احمد محمدشاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م؛ صاحب جواهر، محمدحسن، *جواهر الکلام*، به کوشش عباس قوجانی، تهران، ۱۳۶۷ش؛ فاضل‌هندی، محمد، *کشف اللثام*، قم، ۱۴۱۶ق؛ فیض کاشانی، محسن، *التفسیر الصافی*، به کوشش حسین اعلی، قم، ۱۴۱۶ق؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م؛ موسوی، ا.م.، «رسائل پیرامون تفسیر و علوم قرآن منسوب به اهل بیت (ع)»، *کیهان اندیشه*، تهران، ۱۳۶۸ش، شه ۲۸؛ نجاشی، احمد، *الرجال*، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۱۶ق؛ نراقی، احمد، *مستند الشیعة*، مشهد، ۱۴۱۵ق؛ نعمانی، محمد، *الغیبة*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۷ق؛ نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، ۱۴۰۸ق.

سعید زعفرانی‌زاده